

نگرش تمدن ساز انقلاب اسلامی و بایسته های نرم افزاری سیاست  
خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال چین  
جواد حق گو<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

چکیده:

ابتنای انقلاب اسلامی ایران بر نگرشی تمدن سازانه تجویزهای معناداری را برای سیاست خارجی ج.ا.ایران ترسیم نموده است. در صورت توجه سیاستگذاران به این موضوع سیاست خارجی ایران در قبال کشورهای مختلف جهان به ویژه قدرت های شرق و غرب از چارچوبی مشخص برخوردار می شود. در این چارچوب نوع مناسبات جمهوری اسلامی با قدرت های جهان نیز متفاوت خواهد بود. بر این مبنا نگاه به قدرت نوظهوری چون چین در قیاس با کشورهایی چون آمریکا یکسان نیست. اگرچه این تفاوت نگاه تغییری در اصول و اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران ایجاد نمی کند، اما منطبقاً بهره مندی از ظرفیت های فراوان قدرت نوظهوری چون چین که برخلاف ایالات متحده سابقه سلطه گری خاصی در ایران ندارد، اولویت پیدا می کند. موضوع مهمی که با توجه به عملیاتی شدن برنامه ۲۵ ساله همکاری های مشترک ایران و چین حائز اهمیت است. مسئله اساسی در این رابطه آن است که با توجه به غلبه نگرش های فرهنگی در اندیشه سیاسی بنیانگذار جمهوری اسلامی در تحقق اهداف تمدنی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال چین از چه اولویتهای نرم افزاری باید برخوردار باشد؟ پر واضح است که غفلت از این امر می تواند تهدید آفرین باشد. این پژوهش با چنین دغدغه ای تلاش خواهد کرد تا ضمن بازخوانی و تبیین چارچوب های تمدن سازانه مدنظر بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، بایسته های نرم افزاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با چین را تبیین نماید. برای تحقق این هدف تلاش شده تا با بهره مندی از مولفه های قدرت نرم علاوه بر تبیین ظرفیت های فرهنگی-تمدنی ایران اسلامی در کشور چین به تجویز اولویتهای سیاست خارجی تمدن گرایانه جمهوری اسلامی ایران اشاره شود. در این پژوهش گردآوری داده ها به شیوه کتابخانه ای صورت پذیرفته است. این پژوهش از منظر هدف کاربردی و از منظر ماهیت توصیفی - تحلیلی است.

**واژگان اصلی:** انقلاب اسلامی ایران، تمدن سازی، بایسته های نرم افزاری، سیاست خارجی ج.ا.ایران، چین، قدرت نرم.

ایران به عنوان یکی از ملل متمدن و با سابقه جهان ریشه‌های فرهنگی-تمدنی قابل توجهی در میان بسیاری از ملل جهان دارد. در دوران بعد از ظهور اسلام بسیاری از ملل مشرق زمین اسلام را از کانال ایران دریافت کردند. متغیر مهمی که باعث شده بسیاری از اقوام مسلمانی که در مشرق زمین زندگی می‌کنند، آئین‌ها و مناسک مذهبی خود را با رنگ و بوی ایرانی برپا کنند. در دوران بعد از انقلاب اسلامی و با توجه به اولویت یافتن متغیرهای فرهنگی در حوزه حکمرانی و سیاست‌ورزی توجه به ظرفیت‌های نرم‌افزارانه‌ای از این دست اهمیت بیشتری یافته است. موضوعی که البته به دلایل مختلفی چون غلبه نگرش‌های مبتنی بر قدرت سخت تا کنون چندان مورد دقت و توجه قرار نگرفته است.

با روی کار آمدن دولت سیزدهم و آغاز دورانی جدید در سیاست خارجی کشور این ظرفیت می‌تواند بسیار بیشتر از قبل مورد توجه قرار گیرد. نهایی‌سازی برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک میان ایران و چین که از آغاز سال ۱۴۰۰ عملیاتی شده متغیری مهم در تحقق این امکان راهبردی است. اهمیت این موضوع آنگاه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد که بدانیم برخی از اقوام چینی نظیر قوم هوئی که مسلمانان ایرانی‌تبار این کشور هستند، در کنار دیگر اقوام مسلمان نظیر اویغورها می‌توانند جایگاه مهمی در تدوین و تنظیم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (ج.ا.ایران) در قبال قدرت نوظهور چین داشته باشند. به هر حال پیوندهای فرهنگی-تمدنی این اقوام و نیز دیگر اقوام غیرمسلمان چین با فرهنگ و تمدن ایرانیان مسلمان که ریشه‌های عمیقی در دل تاریخ دارد متغیر مهمی است که پیشنهادات معناداری برای سیاست خارجی تمدن‌گرایانه و تمدن‌سازانه ج.ا.ایران تجویز می‌کند. با توجه به اهمیت این موضوع در این پژوهش به دنبال واکاوی بایسته‌ها و ضرورت‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال چین بوده‌ایم. موضوعی که بر بستر نگرش تمدن‌سازانه انقلاب اسلامی قابل ادراک است.

بررسی این مسئله در سه گام صورت گرفته است. در گام نخست با ارائه یک چهارچوب مفهومی تلاش شده تا نگرش تمدن‌ساز انقلاب اسلامی و بایسته‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی دولت اسلامی ایران با تمرکز بر نگاه امام خمینی و نظریه‌پردازان قدرت نرم تبیین شود. در گام بعد ظرفیتهای فرهنگی-تمدنی چین در تحقق تمدن نوین اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان با استفاده

از آموزه‌های مطرح شده در گام نخست بایسته‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال چین در ذیل سه دوگانه اصلی قدرت نرم یعنی فرهنگ/زیبایی، ارزش/شکوه و سیاست خارجی/خیرخواهی مورد واکاوی قرار گرفته است.

## ۲. چارچوب مفهومی: جایگاه نگرش فرهنگی-تمدنی در سیاست خارجی ج.ا.ایران

أفق تمدن‌گرایانه انقلاب اسلامی باعث شده تا ابزارهای فرهنگی و نرم نقشی اساسی در تحقق این هدف ایفا نمایند. بر همین اساس عناصر قدرت نرم یکی از مهمترین ابزارهای تحقق اهداف تمدنی سیاست خارجی ج.ا.ایران را تشکیل داده است. نگرش تمدن‌سازانه حاکم بر انقلاب اسلامی ایران که بعدها در متن قانون اساسی ج.ا.ایران و نیز دیگر قوانین بالادستی نظیر سیاست‌های کلی نظام به وضوح تجلی یافته بیش و پیش از هر چیز با تمرکز بر اندیشه سیاسی امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار ج.ا.ایران قابل ادراک است.

### ۲-۱. مولفه های سیاست خارجی تمدن‌گرای دولت اسلامی از نگاه امام خمینی

#### ۱-۱-۲. تمدن‌نوین اسلامی در نگاه امام

نسبت مکاتب فکری و اندیشگانی با مقوله تمدن‌سازی یکی از موضوعات دائمی سپهر اندیشه و تفکر بوده است. فارغ از اختلاف‌نظرهای موجود میان اندیشمندان در این رابطه اما بر اساس نظر اکثر متفکرین هنگامی یک ایدئولوژی و مکتب فکری می‌تواند «تمدن‌سازی» کند که از بعد نظری و عملی توانسته باشد به نظم اجتماعی و رشد و تعالی رسیده و برای همه ساحت‌های مادی و معنوی زندگی بشر راهبردهایی منطقی و صحیح ارائه نماید. دین مبین اسلام پس از استقرار سیاسی و اجتماعی و تنظیم روابط داخلی و خارجی، به سرعت توانست بنیانگذار تمدن شگرفی در جهان شود به گونه‌ای که تمدن‌های دیگر از جمله تمدن غربی را وامدار خود نماید. (ضمیری، ۱۳۸۸: ۷۳) دقیقاً بر همین بستر فکری-تاریخی است که نگرش تمدن‌گرایانه انقلاب اسلامی قابل ادراک است. پُر واضح است که این نگرش تمدن‌گرایانه یکی از محورهای اساسی حرکت امام خمینی به حساب می‌آید. محوری که در صورت بی‌توجهی بدان نه تنها ابعاد این حرکت شناخته نمی‌شود بلکه در بعدی کلان‌تر تحقق آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی در حوزه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی میسر نخواهد شد. این نگرش بیش از هر چیز در نگاه بنیانگذار ج.ا.ایران قابل ردگیری است.

البته در نگاه امام بیش از آنکه بر مقوله «تمدن اسلامی» تاکید شود بر «اسلام تمدنی» تاکید شده است. در توضیح این تفاوت ظریف باید اشاره شود که تمدن اسلامی پدیده‌ای است محصول زمان و آن

چیزی است که در شعاع آموزه های اسلامی در طول تاریخ نضج گرفته، به عینیت رسیده و قابلیت مطالعه تاریخ نگارانه دارد حال آنکه اسلام تمدنی نگاهش به آینده است. به عبارت دیگر این نگرش رویکردی تمدن ساز و آینده نگر دارد.

امام خمینی اثر مستقلی درباره تمدن ندارد؛ اما در آثار مکتوب، سخنرانی ها و پیام هایشان، بارها درباره تمدن، تمدن های دیگر و تمدن اسلامی اظهار نظر کرده است. در جلد های مختلف صحیفه امام خمینی، واژه تمدن ۱۵۲ بار و واژه متمدن ۲۵ بار به کار رفته است. (زمانی محجوب، ۱۳۹۵: ۱۳۶) تکرار چندین باره کلمه تمدن در مجموعه ۲۲ جلدی صحیفه امام حکایت از اهمیت این موضوع در اندیشه سیاسی رهبر انقلاب اسلامی دارد.

در اندیشه امام، مفهوم تمدن در قالب یک تعریف مشخص و ثابت ارائه نشده است. از بررسی کلمات امام استنباط می شود که مقصود ایشان از «تمدن»، پیشرفت و ترقی ای است که تعالی مادی و معنوی انسان را در پی داشته باشد (صحیفه امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۶۰؛ ج ۷: ۳۶۷؛ ج ۲۱: ۴۰۶) و منظورشان از تمدن اسلامی، پیشرفتی است که مبتنی بر معیارها و شاخص های اسلامی باشد (صحیفه امام خمینی، ج ۱: ۳۸۲-۳۸۳؛ ج ۵: ۱۶۷؛ ج ۸: ۴۱۵؛ ج ۱۲: ۲۷۴). حضرت امام تمدن اسلامی را مقدم بر دیگر تمدن ها می شمارد. از نظر ایشان، اسلام موفق شد با آموزه های خاص خود، تمدنی نوین را در جهان بنیان گذارد (صحیفه امام خمینی، ج ۱۸: ۲۱۶). در نگاه امام بین دین و تمدن، پیوندی عمیق برقرار است (بایابی، ۱۳۹۳: ۴۴) و اجرای تعالیم دینی و الهی، به شکل گیری تمدن خواهد انجامید (گروه تفسیر بنیاد باقرالعلوم، ۱۳۷۰: ۹۷)؛ چراکه ادیان الهی، به ویژه دین اسلام، افزون بر پرداختن به جنبه های فردی زندگی، به جنبه های اجتماعی نیز توجه کرده اند (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱: ۱۷۶، ۲۸۹ و ۴۰۶). از همین رو، حضرت امام دین اسلام را دینی تمدن ساز (صحیفه امام خمینی، ج ۸: ۵۱۶) و از پایه گذاران تمدن بزرگ در جهان می داند (صحیفه امام خمینی، ج ۵: ۲۰۴). فرهنگ و تمدن اسلامی، به موجب بهره مندی از جوهره دین با تمام ابعاد و زوایای خود، دارای هویتی خاص است که آن را از همه تمدن ها مجزا می سازد.

تحلیل محتوای بیانات امام خمینی به مسئله تمدن حکایت از دیدگاهی جامع و بدیع دارد. امام اگرچه بر هر دو وجه نرم افزاری و سخت افزاری برای ساخت تمدن نوین اسلامی تاکید دارند، اما واقعیت آن است که بعد نرم افزاری بسیار برجسته تر مورد توجه قرار گرفته است. موضوعی که البته با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی و نیز اصول، مبانی، اهداف و پایه های نظام ج.ا.ایران چندان عجیب

هم نیست. تأکیدات امام بر مولفه‌هایی چون دین، عقلانیت، علم و اخلاق به عنوان مهم‌ترین عناصر ساخت تمدن نوین اسلامی (معینی پور و لک زایی، ۹۱: ۵۱) قرینه‌ای برای این ادعا است. در نگاه امام اگر تمدن نوین اسلامی را که در قالب امت واحده اسلامی متجلی می‌گردد پیکر یک انسان در نظر بگیریم، سه لایه خواهد داشت: لایه عقلی، لایه قلبی و لایه ظاهری. عقلانیت مهندسی، بعد عقلی؛ اخلاق مهندسی، بعد قلب؛ و علم، به‌ویژه علم فقه، مهندسی بعد ظاهری او را بر عهده دارد. دین هم در واقع به تمام این سه لایه اطلاق می‌شود و چیزی جدا از آنها نیست. (معینی پور و لک زایی، ۹۱: ۷۵)

امام خمینی در باب بایسته‌های صرفاً سیاسی ساخت تمدن نوین اسلامی با در نظر گرفتن ابعاد مادی و معنوی برای تمدن، تمدن اسلامی را جامع‌ترین تمدن‌ها دانسته و بر ضرورت توجه همزمان به دین اسلام، پیوند بین دیانت و سیاست، تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه، استقلال و نفی سلطه بیگانگان، نقد تمدن غرب و...، تأکید دارد (زمانی محجوب، ۱۳۹۵: ۱۳۵)

## ۲-۱-۲. اصول و اهداف سیاست خارجی تمدن‌گرایانه دولت اسلامی ایران

نگاه تمدن‌گرایانه امام در حوزه سیاست خارجی ج.ا.ایران نیز نمود مشخص و کاملاً محسوسی دارد. این موضوع بیش از هر چیز با بازخوانی مفاد قانون اساسی ج.ا.ایران قابل ادراک است. بازخوانی محورهای مربوط به سیاست خارجی حکایت از آن دارد که سیاست خارجی دولت ج.ا.ایران بر منابع عقلی و نقلی مشخصی استوار گردیده است. امام خمینی با اشاره به اینکه «محتوای این انقلاب اسلام و اخلاق اسلامی و اخلاق انسانی و تربیت انسانها بر موازین انسانیت بوده است» (صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۵۴) تأکید مشخصی بر مقولات فرهنگی و اخلاقی دارد. مروری بر اصول و اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران در نگاه امام حکایت از غلبه نگرش فرهنگی ایشان در این بعد هم دارد. اگر «نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» (صحیفه امام؛ ج ۴، ص ۹۱)، «دفاع از کیان اسلام و مسلمین» (صحیفه امام؛ ج ۱، ص ۳۳۶)، «لزوم صدور انقلاب اسلامی» (صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۳۴۵)، «لزوم حمایت از مظلوم و نفی مطلق ظلم در سیاست خارجی» (صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۸۵)، «تأکید بر احترام متقابل در روابط کشورها و نیز منع دخالت در امور کشورها» (صحیفه امام؛ ج ۱۵، ص ۴۷۴)، «تأکید بر روابط مستقل و راهبردی عدم تعهد» (صحیفه امام؛ ج ۵، ص ۲۳۴) را اصول اساسی مدنظر امام در حوزه سیاست خارجی بدانیم و مواردی چون «برقراری و تشکیل امت واحده اسلامی»، «حمایت از نهضت‌های آزادیبخش»، «صدور فرهنگی انقلاب اسلامی» و «روابط مسالمت‌آمیز با سایر کشورها»

اصلی‌ترین اهداف ج.ا.ایران در حوزه سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد.

اهدافی که تحقق تمام آنها بر مولفه‌ها و متغیرهای فرهنگی مبتنا یافته است. بر این اساس توجه به مقوله قدرت نرم و به تبع مولفه‌های فرهنگی-تمدنی سیاست خارجی ج.ا.ایران یکی از ضرورت‌های اساسی‌ای است که باید مورد توجه و تدقیق سیاستگذاران قرار گیرد. برای نمونه وقتی امام در اشاره به مقوله صدور انقلاب اسلامی تاکید دارد که این مسئله دقیقاً ناظر بر گسترش اسلام است و این بحث را اینگونه مطرح می‌کند که «با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی -صلی الله علیه و آله - است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم.» (صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۳۴۵) قرینه‌ای بر همان اهمیت مولفه‌های فرهنگی دارد. یا وقتی صحبت از تحقق وحدت امت اسلامی به عنوان یکی از نشانه‌های تحقق تمدن اسلامی می‌شود باز هم اهمیت مولفه‌های فرهنگی-تمدنی ایران اسلامی برای تحقق این موضوع خودنمایی می‌کند. وقتی امام صحبت از لزوم برخاستن مسلمانان برای تقابل با مستکبرین می‌کند (صحیفه امام؛ ج ۱۵، ص ۱۷۱) یا زمانی که صحبت از حمایت همه‌جانبه از نهضت‌های آزادیبخش می‌شود (صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۱۳۸) باز هم لزومه توجه به مولفه‌های قدرت نرم در حوزه سیاست خارجی خودنمایی می‌کند.

### ۳-۲- اولویت مولفه‌های فرهنگی در تحقق اهداف تمدنی انقلاب اسلامی

یکی از تاکیدات همیشگی امام خمینی بر مقوله فرهنگ بوده است. امام با تاکید بر اینکه «آن چیزی که ملت‌ها را می‌سازد فرهنگ صحیح است» (صحیفه، ج ۱۷: ۱۵۳) ایجاد تغییر و تحول در جوامع را تنها از کانال فرهنگ جوامع می‌داند. بر اساس نگاه امام تحقق اهداف تمدن‌گرایانه انقلاب اسلامی نسبتی معنادار و وثیق با عناصر فرهنگی دارد. در نگاه امام «بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است.» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۲۴۳) به اعتقاد امام «فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۲۴۳) دقیقاً همین نکته به عنوان نقطه قوت انقلاب اسلامی مدنظر امام بوده است. ایشان با اشاره به اینکه «فرهنگ اساس ملت است، اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است» (صحیفه امام، ج ۷: ۵۷) بارها بر این موضوع تاکید داشته‌اند که فرهنگ هسته مرکزی صدور انقلاب اسلامی را تشکیل داده است.

در نگاه امام تحقق آرمانهای تمدن‌سازانه انقلاب اسلامی نه توسط متغیرهای سیاسی، نظامی و

اقتصادی بلکه توسط متغیرهای فرهنگی قابل ردگیری است. اهمیت این نگاه آنگاه بیشتر قابل ادراک است که بدانیم در دنیای متحول‌شده کنونی عناصر فرهنگی با بهره‌مندی از ظرفیت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی و در ذیل مفهوم قدرت نرم تاثیرگذاری قابل توجهی در شکل دادن به روندهای سیاست بین‌الملل دارند. موضوعی که در دهه‌ها و سده‌های قبل وجود نداشت.

## ۲-۲. اولویت فرهنگ/قدرت نرم در روابط بین‌الملل معاصر

تردیدی وجود ندارد که قدرت همواره به مثابه مهمترین ابزار دستیابی به اهداف موردتوجه دولتمردان بوده و هست. در یک کلام می‌توان گفت که قدرت توانایی و ظرفیت انجام کارها است (افضلی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۲؛ گالبرایت، ۱۳۷۱: ۸) بر همین اساس می‌توان گفت که قدرت، توانایی یک بازیگر در استفاده از منابع و امکانات جهت تاثیرگذاری بر رویدادهای بین‌المللی به نفع خود است (افضلی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۸) در میان دو بعد سخت و نرم قدرت، وجه نرم قدرت در دوران کنونی بیش از گذشته اهمیت یافته است. البته باید توجه داشت که هسته بنیادین مفهوم قدرت سواى از جنبه‌های گوناگون آن، اشاره به بکارگیری منابع در راستای تحقق نتایج مطلوب با عطف به راهبرد مناسب است.

همانطور که اشاره شد مقوله قدرت نرم ارتباط مستقیمی با مسئله فرهنگ پیدا می‌کند. اساساً در دنیای متحول‌شده کنونی متغیرهای فرهنگی با ساخت معنا بستر ایجاد تغییر در جوامع را ایجاد می‌نمایند. این اهمیت در حالی است که نظریه روابط بین‌الملل به طور سنتی غالباً درگیر بعد سخت قدرت بوده است. موضوعی که به تبع در حوزه نظریه سیاست خارجی نیز تسری یافته است. اگرچه نباید این موضوع را بدان معنا تعبیر نمود که وجه دیگر قدرت یعنی بعد نرم موردتوجه اندیشمندان روابط بین‌الملل نبوده اما واقعیت آن است که این بعد از قدرت غالباً در ذیل همان معنای «قدرت سخت» که مدنظر رئالیست‌ها است گنجانده شده و کمتر به عنوان یک متغیر مستقل و منفرد بدان اشاره شده است.

جوزف نای، در تعریف قدرت نرم بر ویژگی‌های متمایزی از قبیل «قابلیت شکل دادن به علایق دیگران»، «توانایی تعیین اولویت‌ها»، «توانایی و قدرت جذابیت» تاکید می‌کند. اگر چه «نای»، قدرت نرم را به مثابه «وجه دوم قدرت» قلمداد می‌کند اما آن را در ارتباط با قدرت سخت می‌داند. به باور نای، قدرت سخت گاهی اوقات می‌تواند در مقام قدرت نرم، کارویژه جذابیت که محور اصلی قدرت نرم است را برای مخاطبان ایفاء کند. به عنوان مثال، «قدرت فرماندهی»، «اسطوره‌های

شکست‌ناپذیری» در کنار «اقتصاد قوی و کارآمد» می‌تواند منبعی مهم برای جذابیت در انظار و افکار عمومی به شمار آید (Nye, 1990: 15-17). در دنیای کنونی با توجه به جا به جایی حادث شده در مولفه‌های قدرت می‌توان ادعا کرد که مولفه‌های قدرت نرم بسیار بیشتر از قبل از اثرگذاری برخوردار است. مسئله‌ای که عموماً در سیاستگذاری کشورها در حوزه سیاست خارجی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

مفهوم قدرت نرم نخستین بار توسط جوزف نای نظریه‌پرداز آمریکایی در نشریه آتلانتیک مطرح شد.<sup>۱</sup> نای برای اولین بار قدرت نرم را چنین تعریف کرد: «قدرت نرم توانایی کسب چیزی است که می‌خواهیم، آن هم از طریق جذب، نه اجبار». نای تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای را از قدرت پیشنهاد می‌دهد که در ذیل آن قدرت به سه دسته نظامی، اقتصادی و نرم قابل تقسیم است. به تعبیر نای قدرت نظامی و اقتصادی هر دو ماهیتی سخت دارند اما قدرت نرم از این جهت با آنها متفاوت است که بر توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران ابتناء یافته است. به تعبیر نای دقیقاً همین جذابیت است که باعث فرمان‌برداری و تبعیت دیگران می‌گردد. (سعیدی و مقدم فر، ۱۳۹۳: ۱۰۹؛ Nye, 2007: 90; Lukes, 2007: 163)

نای از سه عامل به عنوان منابع مولد قدرت نرم نام می‌برد. به اعتقاد وی فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی سه منبع اصلی قدرت نرم کشورها هستند. البته نای هیچکدام از این سه مولفه را به طور مطلق به کار نبرده و برای اثرگذاری آنها شرایطی را ترسیم می‌نماید. به باور وی فرهنگ در صورتی که برای دیگران جذاب باشد، ارزش‌ها در صورتی که در داخل و خارج مورد توجه قرار گیرند و البته توسط اقدامات و رویه‌های ناهمخوان تضعیف نگردند و سیاست خارجی در صورتی که مشروع، درون‌گذارنده و دارای اقتدار اخلاقی به نظر آید، در زمره منابع قدرت نرم محسوب می‌شوند. (Nye, 2010: 4; Nye, 2007: 164)

به عقیده نای قدرت نرم ناظر بر اذهان و افکار عمومی بازیگران بوده، به طریقی که اولویت‌ها و سلاقی آنها را به نفع نتایج مطلوب بازیگر رقیب تغییر می‌دهد. از اینرو، منابع قدرت نرم غیر ملموس و غیر محسوس است و در واقع، برخلاف منابع قدرت سخت که مبتنی بر رفتار دستوری است،

<sup>1</sup> Joseph Samuel Nye, "The Misleading Metaphor of Decline", *Atlantic*, March



منابع قدرت نرم ناظر بر رفتار متقاعد کننده است (نای، ۱۳۸۹: ۴۶). از طرفی دیگر، قدرت نرم از جنس اقناع ناظر بر جاذبه است. قدرت نرم در نهایت تلاش بر «هماندی و همکاری» است. قدرت نرم از طریق جذابیت‌های فرهنگی و ارزش‌های جهان شمول و مشترک در صدد ایجاد نوعی تشبه به همانندی است که با حاصل شدن این امر، همکاری در راستای تامین نتایج مطلوب محقق می‌شود. چنین امری سبب شده است که فرایند کاربرد قدرت نرم مستمر، تدریجی، عرضی و رتبه‌ای باشد. آنجا که ماهیتاً قدرت نرم بر جاذبه تاکید داشته لذا فرآیند جذب امری زمان‌بر و پیچیده است و طیف وسیعی از کنش‌های رفتاری ناظر بر جاذبه را دربر می‌گیرد (مهدوی و نادری، ۱۳۹۰: ۵). به اعتقاد نای قدرت نرم در قالب وجوه متفاوتی می‌تواند منجر به تولید قدرت گردد. سه وجه «زیبایی»، «شکوه»، و «خیرخواهی» از جمله متداول‌ترین این وجوه است (ووینگ، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۴۰). البته تاکید نای بر اقناعی بودن قدرت نرم را نمی‌توان بدان معنا دانست که هیچ نوع از اجباری در اعمال آن وجود ندارد.

### ۳. ظرفیتهای فرهنگی-تمدنی چین در تحقق تمدن نوین اسلامی

همانطور که اشاره شد در نگاه امام تمدن نوین اسلامی در قالب امت واحده اسلامی متجلی می‌گردد و محور اصلی در ساخت این تمدن هم بر عناصر فرهنگی استوار می‌شود. بر همین اساس استفاده بهینه از ظرفیتهای قدرت نرم اصلی اساسی در حرکت به سوی ساخت تمدن نوین اسلامی است. بالفعل ساختن این موضوع در مواجهه با ملل مختلف یکسان نیست. طبیعتاً بر اساس مختصات متفاوت مراودات فرهنگی-تمدنی ایران اسلامی با کشورهای دیگر برای بهره‌مندی از این ظرفیت فرهنگی-تمدنی باید از راهبردهای متفاوتی بهره برد. به‌رغم این تفاوتها اما اصل اساسی این است که سه وجه اساسی زیبایی، شکوه و خیرخواهی می‌تواند با درجات گوناگون در تحقق این هدف مورد استفاده قرار گیرد. به چندین دلیل قدرت نوظهور چین را باید یکی از کشورهای اولویت‌دار در این زمینه به شمار آورد. کشوری که اولاً روز به روز اثرگذاری‌اش در نظام بین‌الملل روندی بیشینه خواهد داشت و ثانیاً به دلیل ماهیت شرقی‌اش از عمق فرهنگی-تمدنی قابل توجهی با ایران اسلامی برخوردار است. البته در کنار اینها نباید از ظرفیتهای بی‌بدیل چین در تقابل با هژمونی ایالات متحده غفلت شود. به هر حال یکی از ملزومات حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی اضمحلال تمدن غرب به عنوان یک تمدن رقیب است.

### ۳-۱. نمودهای فرهنگی-تمدنی ایران اسلامی در چین

رابطه عمیق فرهنگی و تمدنی ایران و چین در طول تاریخ تحت تاثیر متغیرهای مختلفی ایجاد شده است. متغیرهایی چون دین اسلام و زبان فارسی در میان این متغیرها از وزن بیشتری برخوردار است. در هم‌تنیدگی این متغیرها در ظرف تاریخ باعث شده تا بخشهایی از چین در محدوده منطقه ایران فرهنگی قرار گیرد. این ظرفیت با آغاز برنامه ۲۵ ساله روابط راهبردی ایران و چین در سال ۱۴۰۰ از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. پُر واضح است که وجود چنین ظرفیتهای فرهنگی و تمدنی‌ای می‌تواند آورده قابل توجهی برای ساخت تمدن نوین اسلامی با خود به همراه داشته باشد. البته این مهم تنها با توجه دقیق به عناصر و متغیرهای فرهنگ ایران اسلامی که به ویژه در میان اقوام مسلمان این کشور نهادینه شده قابل تحقق است.

### ۲-۳. پیوندهای تاریخی ایران و چین

درباره تاریخ ارتباط میان ایران با چین نقل‌های مختلفی وجود دارد. دلایل زیادی وجود دارد که می‌توان تاریخچه این پیوند را به دوران هخامنشیان رساند. (ترابی، ۱۳۷۶: ۱۵) یکی از نکات بسیار مهم در فهم چگونگی برقراری پیوند میان دو کشور و نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی در سرزمین چین راه تاریخی ابریشم است (ترابی، ۱۳۷۶: ۱۵) این راه تاریخی پیوندهای عمیق تاریخی را برای مردمان دو کشور رقم زده است. پیوندهایی که قطعاً می‌تواند در سیاستهای نرم‌افزارانه ایران در قبال چین نقشی مهم ایفا نماید. باید توجه کرد که اسلام و زبان فارسی نیز بیش از هر چیز بر بستر این شاهراه تاریخی به چین راه پیدا کرده‌اند.

### ۳-۳. اسلام

بر اساس یک نگرش غالب اسلام نخستین بار توسط ایرانیان به چین رسید و از همان آغاز رنگ ایرانی پیدا کرد (ترابی، ۱۳۷۶: ۱۸) اصطلاحات نماز بامداد، نماز پیشین، نماز پسین، نماز شامگاه، و نیز اسامی روزهای هفته و اصطلاح «آب دست» به معنی وضو و طهارت همه مؤید این نظر است. (ترابی، ۱۳۷۶: ۱۸) اگرچه مرکز اصلی مسلمانان در چین عموماً با نام «سین کیانگ» پیوند خورده و مسلمانان این منطقه هم ریشه‌های ایرانی دارند اما در گستره‌ای وسیع‌تر از سین کیانگ باید به گروه قومی هوئی یا خوئی‌زو اشاره شود مردمانی که بزرگ‌ترین قوم مسلمان در چین هستند و در قیاس با

اویغورها که اکثراً در سین کیانگ حضور دارند از جمعیت بیشتری برخوردارند<sup>۱</sup> ( Gladney, 1997) بر اساس اطلاعات موجود قوم مسلمان هوئی ایرانی تبار هستند که حدود ۵۰۰ سال پیش برای ترویج اسلام به چین رفتند، با قوم خَن (هان) ازدواج کردند و در آن جا ماندگار شدند. (Gladney, 1997) همگونی عقیدتی یاد شده می‌تواند ظرفیتهای فراوانی را برای سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال چین به همراه داشته باشد. پُر واضح است که هرگونه بی‌توجهی به این ظرفیت می‌تواند شرایط را به نفع رقبای منطقه‌ای ایران نظیر عربستان و ترکیه تغییر دهد.

#### ۳-۴. زبان فارسی

زبان فارسی در کنار عنصر اسلامیت نقشی اساسی در نفوذ فرهنگ و تمدن ایرانی در میان بخش‌هایی از سرزمین چین دارد. بر اساس نوشته‌های جهانگردانی مانند مارکوپولو در دوران فعالیت راه ابریشم، زبان فارسی، زبان بین‌المللی و بازرگانی در مناطق چینی راه ابریشم بوده و به دستور امپراطوران چینی، در چین قدیم مدرسه‌هایی برای تدریس زبان فارسی و تربیت کارمندان فارسی‌دان تاسیس شده بود که در اسناد تاریخی به آن اشاره شده است. وجود نسخه‌های خطی فارسی و تألیف کتاب‌هایی چون منهاج‌الطلب نوشته محمد بن حکیم زینبی در دستور زبان فارسی گواه این ادعاست. علاوه بر این، زبان فارسی در چین زبان فرهنگی و دینی مسلمانان بوده است و هنوز هم در آموزشگاه‌های اسلامی زبان فارسی برای دانشجویان معارف اسلامی تدریس می‌شود. واژه هوی هوی که امروزه در زبان چینی به معنای مسلمان است، ریشه‌ای فارسی دارد. واقعیت آن است که ورود اسلام به چین بر بال‌های زبان فارسی بوده است. بدین سان، هنوز هم بسیاری از شعائر اسلامی به زبان فارسی ادا می‌شود. اهمیت زبان فارسی باعث شد که نخستین کرسی زبان فارسی در سال ۱۹۵۷ میلادی آغاز به کار کرد. البته باید توجه داشت که تاثیرگذاری زبان فارسی بدون توجه به عنصر اسلام قابل ادراک نیست.

#### ۴. انقلاب تمدن‌گرا و بایسته‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال چین

همانطور که در چارچوب مفهومی گفته شد رویکرد مدنظر امام خمینی در حوزه سیاست خارجی

<sup>۱</sup> بزرگترین گروه های مسمان چین به ترتیب عبارتند از: هوی (۸/۹ میلیون نفر در سرشماری سال ۲۰۰۰ یا ۴۸ درصد از

تعداد رسمی مسلمانان) ، اویغور (۸/۴ میلیون ، ۴۱ درصد) و باقی اقوام نظیر دونگ شیانگ، قزاق و ...

رویکردی تمدن‌گرایانه است. بر همین مبنا قانون اساسی ج.ا.ایران هم معطوف به همین هدف نگاشته شده است. در چارچوب مفهومی گفتیم که در نگاه رهبر انقلاب اسلامی تحقق اهداف تمدن‌گرایانه انقلاب اسلامی در حوزه سیاست خارجی بیش از هر چیز در گرو توجه به عناصر و عوامل فرهنگی و نرم‌افزارانه است. از طرف دیگر گفته شد که به تعبیر نای وجود یک نوع جذابیت باعث اقتناع و فرمان‌برداری دیگران می‌گردد. (Nye, 2007: 90) به تعبیر نای قدرت نرم در نهایت تلاش بر «هماندی و همکاری» است. بر اساس نگاه نای این همانندی و همکاری از طریق سه منبع ارزشها، فرهنگ و سیاست خارجی قابل تحقق است. سه منبعی که می‌تواند در قالب سه وجه «زیبایی»، «شکوه» و «خیرخواهی» (وونینگ، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۴۰) بالفعل شود. بر اساس این نگاه مناطقی از چین که تحت تاثیر عناصری چون اسلام و زبان فارسی قربت‌هایی با فرهنگ و تمدن ایرانی دارند باید در اولویت سیاست خارجی ج.ا.ایران قرار گیرند. در ادامه با توجه به نگرش تمدن‌سازانه انقلاب اسلامی و لزوم بهره‌مندی از عناصر قدرت نرم برای تحقق اهداف تمدنی سیاست خارجی ج.ا.ایران بایسته‌ها و اولویت‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال چین مورد بررسی قرار گرفته است.

#### ۱-۴. فرهنگ، زیبایی و افزایش قدرت نرم ایران

در سطح فرهنگ می‌توان به نمودهای فرهنگی‌ای که ریشه در جغرافیای تمدنی ایران اسلامی دارند، اشاره کرد. آئین‌های مذهبی ایرانیان که در ذیل مناسبت‌های گوناگونی از عزاداری سیدالشهدا در ماه‌های محرم و صفر گرفته تا آئین‌های مخصوص به ماه‌های رجب، شعبان و به ویژه رمضان نقشی اساسی در بالفعل شدن قدرت نرم ایران در تمام مناطق ایران فرهنگی به خصوص نواحی‌ای که مسلمانان چینی قوم هوئی در آنجا سکنی گزیده‌اند، دارد. در این میان جمعیت تقریباً چهار میلیونی شیعیان چین از ظرفیت مناسبی برخوردار است. موضوعی که در سالهای اخیر در قالب پیاده‌روی سالانه اربعین حسینی که البته در چند سال اخیر به دلیل همه‌گیری کرونا کم‌رنگ شده از نمود بارزی برخوردار شده است. این مراسم از چنان ظرفیتی برخوردار است که در کانون پژوهش‌های موسسات تحقیقاتی غربی قرار گرفته است. (حق‌گو و دیگران، ۱۳۹۷) همانطور که در این پژوهش‌ها هم اشاره شده اساساً راهپیمایی اربعین به عنوان نمادی بارز از اسلام تمدنی مدنظر امام خمینی می‌تواند بستری مناسب برای حرکت به سوی ساخت تمدن نوین اسلامی باشد. تمدنی که شیعیان در ساخت آن نقش مهمی ایفا می‌کنند. تردیدی وجود ندارد که با وجود چنین ظرفیتی آئین‌ها و مناسبت‌های مذهبی‌ای از این دست باید در اولویت سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال نواحی مختلف منطقه ایران

فرهنگی خصوصاً مناطق شیعه‌نشین قرار گیرد. البته این اولویت باید در قالب اقدامات نرم و سخت به طور توأمان مورد توجه سیاستگذاران و مجریان قرار گیرد. بر اساس گزارش‌های موجود به دلیل نوع مناسبات کنونی دولت ایران با دولت چین بهره‌مندی از ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی ایران در مناطق شیعه‌نشین چین که نمادی از زیبایی و عاملی برای جذابیت است یکی از اصلی‌ترین عناصر غفلت‌شده در سیاست خارجی کشورمان طی دهه‌های اخیر بوده است. امکانی که می‌تواند بر بستر اجرای توافق ۲۵ ساله با دولت چین بالفعل شود.

همانطور که اشاره شد زبان و ادبیات فارسی را باید دیگر متغیر فرهنگی‌ای به شمار آورد که ظرفیت بسیار بالایی برای بیشینه‌سازی قدرت نرم ایران در این منطقه دارد. متغیری که باید نقشی اساسی در ساخت تمدن نوین اسلامی ایفا کند. البته این متغیر در پیوند با عنصر اسلامیت قابل ادراک است. گفته شد که انتقال اسلام به سرزمین چین با استفاده از زبان فارسی صورت گرفته و بر همین اساس بهره‌مندی از این ظرفیت می‌تواند «همانندی» مدنظر نای را به فعلیت برساند. در کنار این متغیر نباید بهره‌مندی از ظرفیت آئین‌هایی چون جشن نوروز و شباهت‌های زیادش با جشن چینی‌ها در بهار غفلت شود. آئینی که آنهم در پیوند با اسلام تمدنی مدنظر امام خمینی از معنا و مفهوم دیگری برخوردار می‌شود و می‌تواند در به فعلیت رسیدن ظرفیت‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی ایران در این منطقه نقش مهمی ایفا نماید. همانطور که گفته شد در نگاه امام خمینی تغییر و تحول در جوامع بیش از هر چیز از کانال فرهنگ رخ خواهد داد. بر همین اساس آئین‌های پویایی چون جشن نوروز با درون‌مایه تمدنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. موضوعات مهمی که باید در سیاست خارجی تمدن‌گرایانه ج.ا.ایران در مواجهه با چین مورد توجه قرار گیرد.

## ۲-۴. نقش ارزش‌های شکوهمند در افزایش قدرت نرم ایران

نقش‌آفرینی ارزش‌های اساسی به عنوان دومین منبع تولید قدرت نرم در نگاه نای زمانی ادراک می‌شود که الگوی سیاسی‌ای که در نتیجه انقلاب اسلامی بر ایران حاکم شد را مدنظر قرار دهیم. الگویی که مصداق ارزش شکوهمندی است و در سال‌های گذشته توانسته جای خود را به‌رغم تمام تقابل‌ها در میان بخش‌هایی از مردمان منطقه ایران فرهنگی باز کند. موضوعی که به طور ویژه برای اقلیت‌های مسلمان کشورهای چین بیشتر می‌تواند منشا تأثیر باشد. مقاومت و ایستادگی ایران در برابر قدرت‌های بزرگ همان شکوهی است که می‌تواند به مثابه یک الگو جذابیت زیادی ایجاد نماید. ارزش‌هایی چون استقلال و مقاومت در برابر هرگونه سلطه‌گری شکوهی معنادار برای ایران به

وجود آورده که می‌تواند در صورت تدبیر عالمانه به افزایش قدرت نرم‌افزاری کشور در مناطق مسلمان‌نشین چین و حتی در بعدی وسیع‌تر در میان تمام ملت چین منجر شود. بر کسی پوشیده نیست که ایران و چین لااقل در دوران کنونی در لزوم مواجهه با ایالات متحده هم‌نظر هستند. همین مسئله عاملی اساسی در ایجاد همانندی و مشابهت مدنظر نای خواهد بود. متغیر بسیار مهمی که در سال‌های قبل به دلیل چرخش کامل سیاست خارجی کشور به سمت غرب کاملاً نادیده گرفته شده بود و در دوران جدید که به نظر می‌رسد دولت سیزدهم به دنبال ایجاد توازن در سیاست خارجی کشور است می‌تواند نقشی مهم در بیشینه‌سازی قدرت نرم داشته باشد. تردیدی وجود ندارد که این موضوع قابلیت شکل دادن به علائق و همچنین توانایی تعیین اولویت‌های دولتی چون چین را دارد.

### ۳-۴. قدرت نرم ایران و سیاست خارجی خیرخواهانه در قبال چین

سیاست خارجی توأم با خیرخواهی یکی دیگر از منابع تولید قدرت نرم است که می‌تواند نقشی اساسی در پیشبرد اهداف تمدن‌سازانه انقلاب اسلامی ایفا نماید. همانطور که اشاره شد هرگونه تلقی خیرخواهانه از رفتار دولت‌ها در حوزه سیاست خارجی می‌تواند منبعی اثرگذار بر افزایش قدرت نرم دولت‌ها باشد. نشانه‌های زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد اگرچه ج.ا.ایران از این منظر دارای مزیت نسبی است، متها این مزیت در قبال چین چندان مورد توجه نبوده است. حمایت‌های ج.ا.ایران از مردم فلسطین، عراق، سوریه، لبنان و یمن اگرچه باعث افزایش منزلت نرم ایران شده اما از سوی دیگر بی‌توجهی ایران به وضعیت مسلمانان چین کاهش منزلت نرم کشور را همراه داشته است. موضوعی که باید به طور دقیق موشکافی شود.

برنامه ۲۵ ساله همکاری میان ایران و چین می‌تواند نقشی اساسی در بازتعریف سیاست‌های ایران در قبال مسلمانان چین ایفا نماید. باید توجه داشت که اولویت پکن در انتخاب میان دو خوانش ایرانی و وهابی از اسلام سیاسی قطعاً خوانش اول خواهد بود. با تبیین این موضوع علاوه بر اینکه منزلت نرم ایران در میان ملل مشرق‌زمین افزایش خواهد یافت، از سوی دیگر با ممانعت از توسعه خوانش وهابی مدنظر آل‌سعود موجبات افزایش قدرت ایران در منطقه را نیز با خود به همراه دارد. باید توجه داشت که تحولات اخیر در افغانستان و قدرت‌گیری طالبان به عنوان نماد اسلام سیاسی با خوانش وهابی مدنظر سعودی‌ها می‌تواند سهم مهمی در تحقق این موضوع داشته باشد. این اهمیت آنگاه بیشتر هویدا می‌گردد که بدانیم دولت چین از طریق شهرستان واخان با افغانستان مرز زمینی دارد.

موضوعی که موجبات هراس پکن از افزایش تحرکات مسلمانان اویغور ساکن در سین‌کیانگ در آینده نه چندان دور را به همراه داشته است. وجود چنین تهدیدی که می‌تواند در ماه‌ها و سال‌های آینده و همزمان با تثبیت موقعیت طالبان در افغانستان از ابعاد تازه‌ای برخوردار شود می‌تواند در سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال چین به مثابه یک فرصت کم‌نظیر نگریسته شود.

## ۵. جمع‌بندی

با توجه به نگرش تمدن‌سازانه انقلاب اسلامی تاکید بر ظرفیت‌های نرم‌افزارانه سیاست خارجی دولت ج.ا.ایران امری اجتناب‌ناپذیر است. موضوعی که در سال‌های بعد از انقلاب خیلی مورد توجه دولت‌ها قرار نگرفته است. البته عدم اولویت این موضوع دلایل متعددی دارد. لزوم توجه به اولویت‌های سیاسی-امنیتی تنها یکی از این علل است. با این همه به نظر می‌رسد با گذشت بیش از ۴۲ سال از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام ج.ا.ایران در دهه پنجم انقلاب می‌توان بیش از گذشته به این ظرفیت توجه داشت. ظرفیتی که می‌تواند به طور ویژه در تدوین و اجرای سیاست خارجی کشور در قبال کشورهای متمدنی چون چین بسیار موثر واقع شود.

پیوندهای تاریخی میان ایران و چین که عموماً از کانال راه ابریشم برقرار شده باعث شده تا این کشور به یکی از کانون‌های مهم در فعلیت یافتن این ظرفیت‌ها تبدیل شود. در این میان متغیرهای اسلام و زبان فارسی اهمیت محوری دارند. اگرچه نمی‌توان متغیرهای مهم دیگری چون معماری، هنر، سبک زندگی و... را نادیده گرفت اما واقعیت آن است که این موارد نیز عموماً بر بستر متغیر اسلام ایرانی (اسلامی که با زبان فارسی منتقل شده) قابل ادراک است. با وجود چنین ظرفیتی و بر اساس آموزه‌های جوزف نای توجه همزمان به سه محور «فرهنگ»، «ارزش» و «سیاست خارجی خیرخواهانه» آورده قابل توجهی برای سیاست خارجی ایران در قبال چین به ارمغان می‌آورد. موضوعی که به خصوص با نهایی شدن توافق چشم‌انداز ۲۵ ساله ایران و چین از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. البته همانطور که اشاره شد هر سه محور یاد شده سهمی یکسان در پیشبرد سیاست‌های نرم و تمدن‌گرایانه ج.ا.ایران در قبال چین ایفا نمی‌کنند. تبیین میزان سهم هر یک از سه محور یاد شده نیاز به پژوهشی جداگانه دارد.

منابع و مأخذ:

## الف) منابع فارسی

- ۱) افضل‌ی، رسول، ذکی، یاشار و دشتی، محمدحسین (۱۳۹۷)، «مولفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیتهای آن در عرصه بین الملل از دید کارشناسان»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۴۲-۱۲۱.
- ۲) ال ووینگ، الکساندر (۱۳۸۸). «کارکرد قدرت نرم»، ترجمه مهرداد مرادی، *فصلنامه سیاست راهبردی*، سال اول، شماره ۴، پاییز.
- ۳) افتخاری، اصغر و شعبانی، ناصر (۱۳۸۹). *قدرت نرم و نبرد نامتقارن (تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و جنگ ۲۲ روزه غزه)*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۴) بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۳). *کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی*.
- ۵) ترابی، «پیوندهای فرهنگی-تاریخی ایران و چین»، نشریه چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی، مرداد ۱۳۷۶، شماره ۵، صص ۲۱-۱۴.
- ۶) حق‌گو، جواد، جعفر عظیم زاده و میثم علی‌آبادی (۱۳۹۷)، *به سوی کربلا: پژوهشی درباره شیعیان ایران و عراق*، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- ۷) زمانی محبوب، حبیب (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، «بایسته‌های سیاسی تمدن نوین اسلامی از منظر امام خمینی»، *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، شماره ۹، صص ۱۵۲-۱۳۵.
- ۸) سعیدی، روح‌الامین و حمیدرضا مقدم‌فر (۱۳۹۳)، «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال چهارم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۲۶-۱۰۷.
- ۹) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تمامی جلد‌ها
- ۱۰) ضمیری، محمدرضا (خرداد ۱۳۸۸)، «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، *معرفت* «خرداد ۱۳۸۸ - شماره ۱۳۸ (از صفحه ۷۳ تا ۸۶)
- ۱۱) *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*
- ۱۲) گروه تفسیر بنیاد باقرالعلوم (۱۳۷۰). *معیارها و عوامل تمدن از نظر قرآن، قم، دارالقرآن*.
- ۱۳) گالبرایت، جان کنت (۱۳۷۱)، *آنانومی قدرت*، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران: انتشارات



سروش.

۱۴) معینی پور، مسعود و لک زایی، رضا (۱۳۹۱)، «ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی قدس سره الشریف و مقام معظم رهبری»، مطالعات انقلاب اسلامی « بهار ۱۳۹۱ - شماره ۲۸ (از صفحه ۵۱ تا ۷۶)

۱۵) مهدوی، اصغرآقا و نادری، مهدی (۱۳۹۰)، «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار، رویکردی قرآنی»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، سال هفتم، شماره دوم - پاییز و زمستان.

۱۶) نای، جوزف (۱۳۸۹)، *قدرت نرم (ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل)*، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

ب) منابع انگلیسی

- 1) Gladney, Dru C. "Ethnic Identity in China: The Making of a Muslim Minority Nationality (Case Studies in Cultural Anthropology)", Wadsworth Publishing, 1997
- 2) Nye, Joseph (1990), "The Misleading Metaphor of Decline", *Atlantic*, March 1990.
- 3) Nye, Joseph (1990), *Bound To Lead: The Changing Nature Of American Power*, Basic Books.
- 4) Nye, Joseph (2004), *Soft Power: The Means of Success in World Politics*, Public Affairs.
- 5) Nye, Joseph S (2007), Notes for a Soft Power Research Agenda", in Felix Berenskoetter and M. J. Williams (Eds.), *Power in World Politics*, London and New York: Routledge.
- 6) Nye, Joseph S (2010), The Future of Soft Power in US Foreign Policy," in Inderjeet Parmar and Michael Cox (Eds.), *Soft Power and US Foreign Policy: Theoretical*, Routledge.
- 7) Lukes, Steven (2007), "Power and the Battle for Hearts and Minds: On the Bluntness of Soft Power", in Felix Berenskoetter and M. J. Williams (Eds.), *Power in World Politics*, London and New York: Routledge.